

آچارکشی

معلول علت است یا معلول؟



پوریاء عالمی

● در دوماه گذشته این‌قدر غر زدم که دوروبری‌هایم به من که می‌رسند یا کانال را عوض می‌کنند یا من را می‌گذارند روی میوت تا صدام درنیا‌د. چرا؟ چون پام شکسته بود و هی می‌زدم تو س‌ر مدی‌ران که چرا به فکر معلولان و افراد کم‌توان نیستند. من با همین درصد ضعف و شکستگی که داشتم این‌قدر بهم فشار آمد که جانم داشت در می‌رفت. جان آدم هم که بخواد در برود آدم ص‌داش درمی‌آید و شروع می‌کند به غر‌زدن. این‌طوری شد که دوستان بنده گفتند این‌قدر غر ن‌زن. یک‌بار تجربیات شهریت‌رو بنویس توی روزنامه «شرق»، مردم بهت توجه کنند و بگویند آ‌خی، تا دیگر گوش ما را به کار نگیری. پس این‌طوری شد:

تجربه اول- پیاده‌روهای ما این قابلیت را دارد که بزند پای آدم پیاده را بشکنند. اگر پای شما شکسته باشد مطمئن باشید پیاده‌روهای تهران قلب شما، سر شما، دست شما و شیشه عمر شما را خوا‌هد شکست.

تجربه دوم- پیاده‌روهای تهران یا پل ندارند یا اگر پل دارند جلوش سطل زباله است. در نتیجه شما را آب خوا‌هد برد چون حتماً یک‌بار در جوب خوا‌هید افتاد.

تجربه سوم- شما اگر عصا دستت باشد بعید نیست در انتظار تاکسی جان بسپارید چون ۹۹درصد تاکسی‌ها جلو شما ترمز نخوا‌هند کرد. آن یک درصد هم درست گرفتند و در دسترس نیستند.

تجربه چهارم- اگر با عصا یا ویلچر بخوا‌هید از اتوبوس یا مترو در تهران استفاده کنید، حتماً قبلش از خانواد‌ه خ‌داحافظی کنید و حلالیت بطلبید.

تجربه پنجم- اگر به هر جان‌کندنی شده خودتان را انداختید توی مترو و اتوبوس، متوجه می‌شوید مردم ایران به معلولان و افراد کم‌توان و سال‌مدان هرگز نگاه ترحم‌آمیز ندارند. چرا؟ چون امکان ندارد با دیدن شما از روی صندلی مخصوص معلولان بلند شوند مب‌دا شما فکر کنید طرف دارد به شما ترحم می‌کند.

تجربه ششم- ممکن است کسانی بیایند ملاقات شما که تنها نباشید. بخورند و بیاشامند و با هم حرف بزنند و بعدش هم ظرف‌ها را نشسته بلند شوند و بروند و شما را پاد‌روها و گچی ر‌ها کنند. اصلاً تعجب نکنید و خوشحال باشید که فرصت‌سازی کرده‌اید تا دوستان قدیمی‌تان به‌هم برسند.

تجربه هشتم- در قبال معلولان و افراد کم‌توان در جامعه، مثل همیشه مسئولان ما مامور هستند و معذور. مردم ما هم مسئول نیستند و در نتیجه معذور هم نیستند. درکل خودتان را ناراحت نکنید.

پیشنهاد

● تازه‌ترین شماره ماهنامه «اندیشه پویا» به چند سؤال مهم شما درباره تاریخ روشنفکری ایران پاسخ می‌دهد؛ پاسخ‌هایی از جنس مرام و اندیشه‌ای که این ماهنامه در ۲۸ شماره پیشین خود، از آن سخن گفته است. اصلی‌ترین سؤال در مورد برخورد حافظ‌گونه با جهان امروز را می‌توانید در مصاحبه بهاء‌الدین خرمساهی بیابید؛ آنجا که او به شاملو، گلشیری و ابتهاج و حتی دکتر نصر می‌تازد. علاوه بر اینها، جشن‌نامه تولد ابراهیم گلستان با مصاحبه‌ای از او آغاز شده که در آن او از محبوب‌هایش، شاعران دوست‌داشتنی‌اش و مسیری که در این سال‌ها طی کرده می‌گوید و دیگریانی چون پیروز کلاتری، پیروز دوائی و مسعود کیمیایی از او گفته‌اند. فارغ از اینها، پرونده اقتصاد دوران جنگ تحمیلی هم از خواندنی‌های این شماره اندیشه پویاست. در بخش اجتماعی هم، این مجله نگاهی کرده است به وضعیت دانشگاه‌های کشور براساس چیدمان دانشجویانش و عباس کاظمی، محمد فاضلی و علی پایا درباره این موقعیت نوشته‌اند. پرونده هانا آرنت هم با نوشته‌ای از بابک احمدی در این شماره موجود است و بخشی از خاطرات منتشرنشده عبدالرحیم جعفری، از دادگاه و محاکمه و مصادره انتشارات امیرکبیر.



برنامه سینمایی پردیس سینمایی فرهنگ پردیس سینمایی گورش خانه هنرمندان موزه سینما پردیس سینمایی هیزه (مشهد) تالار سینمایی سوره (اصفهان) کابری (گرگان) ساحل (اهواز)

aecinema.ir

روغن مار کارگردان: علیرضا او دژواد

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۲۷ مهر ۱۳۹۴ • ۵ محرم ۱۴۳۶ • ۱۹ اکتبر ۲۰۱۵ • سال سیزدهم • شماره ۲۴۲۶ • ۲۰ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۱:۴۹ • اذان مغرب ۱۷:۴۳ • اذان صبح فردا ۴:۵۱ • طلوع آفتاب ۶:۱۵

روزنفرها

کارتون خواب

محمدرضا ثقفی



تجربه دیگران

فاجعه منا سوگی ماندگار

با وجود گذشت هفته‌ها از فاجعه منا، هرروز ای‌بعد تازه‌ای از این فاجعه آشکار می‌شود. آخرین خبرها از این فاجعه مربوط است به بیانیه وزارت بهداشت عربستان‌سعودی که در آن تعداد کشته‌شدگان ۲۴۷ نفر اعلام و بیان شده است که با انتشار این بیانیه پرونده بررسی آمار و هویت متوفیان حادثه منا منتهی‌م‌شد. در این بیانیه ملیت حجاج جان‌باخته به تفکیک اعلام شده است که در میان آنها ایران با ۳۲۱ نفر، اندونزی با ۴۵۳ نفر و پاکستان با ۵۱۴ نفر ازجمله کشورهایی هستند که بیشترین تعداد کشته‌شده را دارند. هنوز سؤال‌های زیادی در این زمینه وجود دارد مثل اینکه چندنفر در عربستان دفن‌شده‌اند؟ تعداد کشته‌شدگان واقعی چقدر است؟ به چه دلیل این اتفاق افتاده است؟

در پاکستان واکنش‌های تندی نسبت به این اتفاق صورت گرفت. از همان ابتدا مسئولان پاکستانی بر نقش عربستان در این حادثه تأکید کردند. پس از اعلام نهایی تعداد کشته‌شدگان نیز واکنش‌ها ادامه پیدا کرد. برای مثال نسخه انگلیسی روزنامه «اردو دلی اکسپرس» چهارشنبه در مطلبی انتقادی با عنوان «یک تراژدی دیگر: پادشاه عربستان مسئولیت این کشور درباره فاجعه منا را رد می‌کند»، نوشت: «پادشاه عربستان، سلمان بن‌عبدالعزیز آل‌سعود، هرگونه پیشنهادی در زمینه واگذاری مسئولیت عربستان‌سعودی برای اداره حج را رد کرد و گفت: اظهارات غیرمسئولانه درباره حادثه‌منا با هدف بهره‌برداری سیاسی از این حادثه صورت می‌گیرد و این اظهارات بر نقش، وظیفه و مسئولیت عربستان‌سعودی در خدمت به میهمانان خدا تأثیر نخوا‌هد گذاشت. عربستان‌سعودی تمام توان و تلاش خود را برای تأمین آسایش، امنیت و ایمنی میهمانان خدا به کار بسته است».

از سوی دیگر در میان نمایندگان مجلس پاکستان نیز تلاش‌هایی برای پیگیری دلایل این حادثه صورت گرفته است. برای مثال رئیس مجلس پاکستان، رضا ربانی، از وزیر امور

بیروین، یکی از نمایندگان

کودکی

سواد فرهنگی و کارکردی وبازتاب آن در ادبیات کودکان



محمد‌مهدای محمدی

پیتر هانت یکی از نظریه‌پردازان برجسته ادبیات کودکان در جهان امروز بر این باور است که ادبیات کودکان در زمینه سوادآموزی دو نقش متفاوت دارد که یکی در سوادآموزی کارکردی و دیگری در سوادآموزی فرهنگی خود را نشان می‌دهد. پیش از آن باید یادآوری کرد که همگان چنین می‌اندیشند که سواد کارکردی گونه‌ای مهارت‌اندوزی برای شناخت خواندن و نوشتن و کاربرد آن در زندگی است. درحالی‌که پیتر هانت فراتر از این می‌اندیشد و می‌گوید: باور عمومی بر این است که سواد یک مهارت پایه است که عمدتاً به کودکان آموزش داده می‌شود؛ ادبیات کودک بخشی از روشی است که کودکان به‌واسطه آن سواد کارکردی و سواد فرهنگی را فرامی‌گیرند؛ یعنی می‌آموزند که چگونه زبان و دنیای اطراف خود را کنترل کنند. اما سواد کارکردی تنها این نیست که بچه‌ها خواندن بیاموزند، بلکه بخشی از درک آنها از جهان است؛ اینکه چگونه این درک را سازماندهی می‌کنند، مهارت‌های تفسیری را چگونه تقویت می‌کنند، الگوهای روایتی را چگونه بازمی‌شناسند و نیز اینکه هر متن چگونه به‌گونه‌ای درونی عمل می‌کند و چگونه با متن‌های دیگر در تعامل است.

از نگاه او سواد فرهنگی دوش به‌دوش سواد کارکردی پیش می‌رود. کودکان می‌آموزند که

سلام به فردا

زنگ‌های خطر رواج بوپولیسیم به‌صدا درآمده‌اند



زهرآ کریمی

ممنوعیت استفاده از اتباع خارجی برای اشتغال که گاهی از سوی برخی مسئولان مطرح می‌شود، باعث رونق اشتغال نخوا‌هد شد. معضل بی‌کاری در کشور ناشی از رکود و نبود فرصت‌های شغلی کافی است. واقعیت این است که کارگران غیرایرانی تنها پنج‌درصد نیروی شاغل در ایران را تشکیل می‌دهند و با به‌کارنگرفتن آنها با اخراجشان از کشور باز هم دومیلیون بی‌کار در کشور خواهیم داشت. با این کار ممکن است تعداد بی‌کاران در کشور کم شود ولی اتباع خارجی عامل اصلی بی‌کاری نیستند بلکه دلیل این‌موضوع رکود و کمبود سرمایه‌گذاری‌هاست و اخراج کارگران خارجی منجر به رونق اقتصادی نمی‌شود. برای آزرین‌بردن معضل بی‌کاری باید رونق اقتصادی ایجاد شود نه‌اینکه عرضه نیروی کار را متوقف کنیم. امروز بازار کار در ایران مانند بیماری است که به‌کما رفته، می‌توانیم به سر این بیمار شانه بکشیم یا ناخن‌هایش را کوتاه کنیم اما باید بدانیم دلیل اصلی به‌کمارفتن این بیمار چیست و در پی حل مشکل اصلی باشیم. به‌علاوه در شرایط رکود، خروج نیروی کار غیرایرانی که دستمزد کمتری نسبت به نیروی کار ایرانی دارد و به‌تبع این اتفاق افزایش دستمزد نیروی کار داخلی، ممکن است به افزایش هزینه‌های تولید و تعمیق رکود در برخی بخش‌های دیگر مخصوصاً ساخت‌وساز و تعمیرات مسکن منجر شود و حتی بخشی از فرصت‌های شغلی موجود هم با این اتفاق از دست برود. با وجود این، آنچه مسلم است این است که با به‌کارنگرفتن کارگران اتباع خارجی و خروج آنها از بازار کار به‌هیچ‌وجه سرمایه‌گذاری بهبود نخوا‌هد یافت و رونق ایجاد نمی‌شود. از طرف دیگر گاهی گفته می‌شود که از به‌کارگرفتن نیروی کار خارجی غیرمجاز خودداری شود که باز هم این موضوع چندان امکان‌پذیر نیست زیرا نیاز به بازرسی بسیار گسترده از سوی دولت دارد و به‌دلیل پراکندگی‌بودن مهاجران در سراسر کشور این کار بسیار مشکل است. ممنوعیت استفاده از اتباع خارجی در مشاغل بر فرهنگ هم تأثیر خوا‌هد گذاشت و احساسات ضد‌مهاجر را تقویت می‌کند. برای مثال در آلمان پس از یک دوران رکود اقتصادی، گروه‌های نئونازیست قدرت گرفتند که به‌شدت مخالف مهاجران بودند. در همه‌جای دنیا یکی از علل شکل‌گیری فاشیسم و جنبش‌های خشونت‌طلب بحران‌های اقتصادی است و رکود، زنگ‌های خطر رواج اندیشه‌های افراطی و شعارهای بوپولیستی را به‌صدا درمی‌آورد.

✦ مشاور وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی

جامعه به چه چیزهایی ارزش می‌دهد (یا نمی‌دهد) و می‌خوا‌هد آنها به چه چیزهایی ارزش بدهند (یا باید ارزش بدهند). می‌آموزند که آدم‌های اطرافشان جهان را چگونه تفسیر کرده و می‌کنند، کودکان اهمیت تأثیر روایت، اهمیت ادبیات و هنر و شاید مهم‌تر از همه، روش‌های قضاوت درباره جهان را می‌آموزند. (مجله روش‌نان، شماره دهم، ص ۲۹)

نگاه این استاد برجسته ادبیات کودکان از دو سو تفکربرانگیز است. نخست اینکه سواد کارکردی را فراتر از مهارت زبان‌آموزی خواندن و نوشتن می‌بیند و خواندن و نوشتن را افزایش برای درک و تفسیر جهان ارزیابی می‌کند. سوی مهم‌تر اما مربوط به سواد فرهنگی و ارتباط آن با ادبیات کودکان است که در جامعه ما تاکنون هرگز درباره آن بحث و گفت‌وگو نشده است، زیرا هنوز به باور بیشینه کارگزاران دولتی و فرهنگی ما، ادبیات کودکان افزایش برای سرگرمی این مخاطبان است و ارزش دیگری ندارد. اگر آنها می‌دانستند که پایه‌های سواد فرهنگی در هر جامعه‌ای با ادبیات کودکان ساخته می‌شود، آن‌گاه وضعیت ترویج کتاب‌خوانی و جایگاه ادبیات کودکان در نظام آموزش‌وپرورش این نبود که اکنون هست. ادبیات کودکان فرهنگ‌ساز است و به کودکان سواد فرهنگی می‌آموزد. به کودکان تفکر انتقادی و پرسشگری می‌آموزد. به کودکان چگونه‌اندیشیدن درباره جهان و خدادها را می‌آموزد. با همه این اهمیت‌ها که سواد فرهنگی در جهان امروز دارد، ادبیات کودکان پشت در خانه‌ها و آموزشگاه‌ها مانده است. پشت در خانه‌ها

رودردرو

«دعایی» با ابراز تأسف از حادثه ساختمان قدیمی روزنامه اطلاعات

کاش این ساختمان، موزه مطبوعات می‌شد

این ساختمان از استحکام بالایی برخوردار است و احتمالاً آسیب جدی‌ای ندیده. به‌خاطر دارم که در زمان جنگ تحمیلی، این ساختمان در محدوده‌ای بود که به‌خاطر نزدیکی به تشکیلات حکومتی و اداری کشور، در گرای موشک‌باران صدام قرار داشت. بنابراین این احتمال بود که موشکی به ساختمان اصابت کند. با مهندس سازنده آن وارد صحبت شدیم و او گفت که مطمئن است اسکلت بنا هیچ آسیبی نخوا‌هد دید و فقط کافی است طبقه بالای ساختمان تخلیه شود و افراد فعال در محل کار از پنجره‌ها به شعاع دو متر فاصله بگیرند. اتفاقاً در ۵۰متری ساختمان یک موشک اصابت کرد که

ساختمان آن نقطه کاملاً ویران شد و ترکشی به بزرگی س‌ر یک اتومبیل از آن موشک به ساختمان ما هم برخورد کرد اما هیچ آسیبی به ساختمان وارد نشد.

✦ اما س‌رنوشت این ساختمان انکار چیز دیگری بود.

بله! بخش خصوصی آن را خرید و به شهرداری فروخت و آن‌طور که می‌دانم شهرداری بنا داشت مجمعی را در آن افتتاح کند.

✦ اح‌تی این اتفاق هم نیفتاد و سال‌ها این ساختمان

متروکه افتاده بود.

اخیراً مشغول به کار شده بودند، البته نه با رویکرد تغییر بنا چون فکر نمی‌کنم قصد داشتند اسکلت ساختمان را هم نابود کنند. تا جایی که می‌دانم قرار بر این بود که قسمت رونمایی تغییر کند و مجمعی در آنجا ایجاد شود.

✦ شنیدن این خبر برای شما تأسف‌آور بود؟

تأسف‌آور از این بابت که این ساختمان این قابلیت را داشت که نصب وزارت ارشاد شود و یکی از بهترین نمایشگاه‌ها و موزه‌های ماشین‌آلات چاپ و مطبوعات در آن افتتاح شود که نشد. ماشین‌های قدیمی چاپ روزنامه اطلاعات که دیگر قابل استفاده نبودند به‌عنوان یک شیء، موزه‌ای بی‌تظیر بودند اما وقتی که ارشاد ساختمان را نخرید، خریدار بخش خصوصی، آنها را به‌عنوان آهن‌آلات فروختند. تأسف بعدی هم به دلیل خاتره بزرگانی بود که در این ساختمان رفت‌وآمد داشتند؛ بخشی از بزرگان مطبوعات و نسل‌های بعد که اگر ساختمان با کاربری همسو با مطبوعات و صنعت چاپ باقی می‌ماند، امکان زنده‌ماندن خاطراتشان در این ساختمان بیشتر بود.

پیشخوان

خواننده مصاحبه محمدرضا اسلانی درباره وضعیت روشنفکری امروز ایران خوا‌هد بود. گفت‌وگو با محمود معتقدی درباره خودش و شعر امروز، گفت‌وگو با نغمه ثمنینی درباره وضعیت تئاتر کشور، گفت‌وگو با عنایت سمیعی، علی‌اکبر عالمی و علی‌اکبر قاضی‌زاده درباره وضعیت روشنفکری ایران، بخش دیگری از خواندنی‌های این شماره آر‌ما را به خود اختصاص داده است.

شماره جدید مجله «آر‌ما» با پرونده‌ای درباره جالش سفرنامه‌نویسی منتشر شده است. در این شماره دکتر جلال‌الدین کزازی از سفرنامه‌نویسی به‌عنوان یکی از بنیان‌های ادبی سخن گفته و استاد عبدالله انوار، ناصر خسرو را یکی از پژوهشگران سیاسی در حوزه سفرنامه‌نویسی معرفی کرده است. علاوه بر اینها، با لوریس چکناواریان گفت‌وگویی خواندنی به بهانه انتشار آخرین اثر موسیقایی‌اش خوا‌هد خواند و

